



مکان نما



مسجد ۱۵۰ ساله حجّیه در ته پل محله، هنوز به نام درخت توت قدیمی اش شناخته می شود

زیر سایه درختی که دیگر نیست



ساختمان های نوساز، نشانه هایی از گذشته را در خود حفظ کرده است. یکی از همین نشانه ها، نام «درخت توت» است که در کنار اسم رسمی مسجد، حفظ شده است. هر چند از آن درخت قدیمی دیگر اثری نیست. روایت نسل های ساکن محله نشان می دهد که این مکان بیش از یک قرن مأمّن نمازگزاران بوده است.

سمیرا شاهیان امه محرم است و کتیبه های مشکی، حال و هوای مسجد حجّیه معروف به «مسجد درخت توت» را برای عزای دو ماهه سیدالشهدا^(ع) مهیا کرده است. صدای اذان مغرب در فضای مسجد می پیچد و چند نمازگزار آرام آرام وارد شبستان می شوند. هنوز مسجد قدیمی ته پل محله، لابه لای هتل ها و

یک درخت، هویت مسجد

طبرستانی، بخش دیگری از تاریخ شفاهی این مسجد روایت می کند و می گوید: در یکی از بازسازی ها، شبستان مسجد تا حیاط پیشروی کرد. موقعی که می خواستند، خانه مسجد، رابه این طرف منتقل کنند، اتفاقی در کنار حیاط قرار داشت به عرض «شش در حیاط» و نمازگزاران در آن به اقامه نماز می پرداختند و باقی فضا، حیاط مسجد بود. در کنار همین حیاط - جایی که امروز به عنوان آبدارخانه استفاده می شود - درخت توتی قرار داشت. او با یادآوری خاطرات قدیم توضیح می دهد: در گذشته، مردم توت را از باغ های «نکاح» (محدوده فعلی بیمارستان حجازی) می چیدند، روی طبق های می گذاشتند و برای فروش به ته پل محله می آوردند. اما چون در محدوده ته پل محله، درخت توت کم بود، ساکنان محل ورهگذاران از توت های درخت مسجد به رایگان استفاده می کردند و انصافاً درخت توت بزرگی بود. همین استفاده عمومی و جایگاه ویژه این درخت در زندگی روزمره مردم باعث شد مسجد به تدریج بین اهالی با نام «مسجد درخت توت» شناخته شود. طبرستانی می افزاید که حدود سال ۱۳۳۸ خورشیدی، زمانی که او ده دوازده ساله بوده، این درخت قطع شده است. باین حال، خاطره و نام آن همچنان در ذهن قدیمی های محل زنده مانده است. طبرستانی همچنین به فردی به نام «سرگرد لطفی» همسایه مسجد اشاره می کند که پدرش در بازار سنگ تراش ها قهوه خانه داشته است. او توضیح می دهد: زمانی که تابلو مسجد نصب شد، نام رسمی مسجد را «حجّیه» نوشتنند. در حالی که سال ها پیش از آن، میان مردم با نام «مسجد درخت توت» معروف بود. سال درج شده روی کتیبه مسجد ۱۳۴۸ قمری مصادف با ۱۳۰۸ خورشیدی، به همین دوره نصب تابلو و رسمی شدن نام «حجّیه» برمی گردد.

اعلام وقت اذان از قیف حلبی

جواد عسکری پور، پسر آخر مرحوم عسکری پور، می گوید: پنج سالم بود که کلید را از پدرم می گرفتم و می آمدم در مسجد را باز می کردم. آن موقع، هنوز حیاط مسجد در نزدیکی محراب فعلی وجود داشت. نزدیک محراب یک بخاری گنده ای بود. من آن قدر فضای مسجد را دوست داشتم که قبل از نماز می آمدم چوب ها را برای بخاری آماده می کردم تا وقتی نمازگزاران می آیند، محیط گرم باشد. او باین اینکه قدمت این مسجد به ۱۵۰ سال پیش برمی گردد، اضافه می کند: در گذشته، نمازخانه بانوان طبقه بالا بود، ولی پدرم به کمک یکی دیگر از قدیمی ها، برای راحتی خانم ها آنجا را تخریب کردند و فضایی برای بانوان در نظر گرفتند که هم سطح با مسجد باشد.

بخشی از زمین های مرحوم خسروی

هنوز هم اگر پای صحبت قدیمی های محله بنشینیم، نام مسجد درخت توت را با احترام و دل بستگی بر زبان می آورند. مسجدی که نام حجّیه هم بر کتیبه هویتی آن ثبت شده است، اما برای اهالی قدیم ته پل محله بیشتر خاطره آن درخت کهن سال توت، زنده است. علی اکبر طبرستانی، از قدیمی های محله، درباره آن درخت می گوید: در حیاط مسجد، نزدیک محراب فعلی، درخت توت بزرگی بود که برای بچه ها جذابیت داشت. خودم بارها از آن درخت بالا رفتم و برای مرحوم مادرم، توت، دست چین کردم. هر چند جزئیات دقیق شکل گیری مسجد در گذر زمان کم رنگ شده است، قدیمی ها از حاج رضابن خسروی به عنوان خیر اثرگذار این مکان مذهبی یاد می کنند. طبرستانی از او که بخشی از املاک خود را وقف مسجد کرده بود، یاد و بیان می کند: مرحوم خسروی ملاق بود و مسجد هم جزو زمین هایش، یکی از ملک هایش پشت همین مسجد دست ما، اجاره بود که کرایه اش را به آقای خسروی می دادیم. علاوه بر ساختمان اصلی شبستان، یک حیاط و خانه و چند مغازه موقوفه دیگر هم برای مسجد در نظر گرفته بود که درآمد آن ها صرف روشنائی، برگزاری مراسم مذهبی و اداره امور مسجد می شد. علی اصغر کریمیان، عضو هیئت امنا، درباره مسجدی که ابتدا خیلی کوچک تر از امروزش بوده است، می گوید: نمی دانیم چطور ملک مرحوم خسروی، مسجد شد. همه ما آن طور شنیدیم که مسجد درخت توت، پیش از مرحوم عسکری پور صمدی که به نوعی تولیت مسجد بود، تولیت دیگری هم داشته است که اکنون نشانی از او نیست.

سردار و آبگوشت هایش

بنبر بزرگی بالای در شبستان مسجد از شادروان مرتضی عسکری پور صمدی نصب شده است. مرحوم، سرپرست هیئت امام حسن مجتبی^(ع) در همین مسجد بوده است. مردم مسنی که کریمیان از او با عنوان تولیت مسجد یاد می کند، پدر مرحوم عسکری معروف به «دایی سردار» است که یادش بیش از همه در خاطره اهالی مانده است. طبرستانی در این باره می گوید: دایی سردار و ابراهیم خالو و جیگی جیگی با هم دوست بودند. سردار سعی می کرد مسجد را احیا کند که مردم به راه های خوب هدایت شوند. او هیئت دار بود. بچه های محل را دور خود جمع می کرد و شب ها برایشان آبگوشت می پخت. نوجوانان محل وقتی گشت و گذارشان در بازار و اطراف حرم تمام می شد، به مسجد برمی گشتند و دور سفره آبگوشت او می نشستند.

طبرستانی می گوید: یادم می آید مسجد نه بلندگو داشت و نه تجهیزات امروزی. یک چرخ چاه داشت (نزدیک ورودی بانوان در مسجد امروزی) که در انتهای مسیر آب، با کمک قیف حلبی بزرگ، آب را بآن جمع می کردند. از همان قیف حلبی برای اعلام وقت نماز استفاده می شد و دایی سردار از بیرون مسجد با صدایی بلند «قد قامت الصلاه» می گفت.

خادمی ۲۵ ساله «تهرانی» در مسجد نوغان

خادم مسجد، علی رزقی تهرانی است که ۲۵ سال پیش، از پایتخت به مشهد آمده و کلید مسجد بیش از دود دهه در جیب اوست؛ گرچه هیچ وقت برای خادمی مسجد دستمزدی نگرفته و فقط به عشق این مکان، تمام وقت و انرژی اش را خرج اینجامی کند. تهرانی که اطلاعات تاریخی زیادی دارد، می گوید: از روزهای اول حضورم در مشهد، برای خواندن نماز به این مسجد می آمدم. وقتی اعضای هیئت امناء توجه حضور مستمر من شدند، خواستند مسئولیت امور مسجد را به عهده بگیرم. تهرانی توضیح می دهد: بسیاری از خانواده هایی که سال ها پیش از این محله رفتند، هنوز در ایام محرم و صفر به مسجد می آیند. بعضی از آن ها حتی بخشی از اموالشان را وقف هزینه برگزاری مراسم عزاداری کردند و بازماندگانشان هم در شصت روز محرم و صفر هر سال آن مبلغ را در این مسجد خرج می کنند. او بر این باور است سال ها عبادت، دعا و عزاداری در این مسجد، فضایی متفاوت به آن بخشیده است و می گوید: بارها از آن شهرهای مختلف پس از نماز، پیش من آمدند و آرامشی گفتند که در این مسجد تجربه کردند. رزقی از چای معروف مسجد هم می گوید: چای که پس از نماز بین حاضران توزیع می شود، به گفته خیلی ها مزه متفاوتی دارد. بعضی از زائرانی که از بیزدو کرمان با این مسجد آشنا هستند، هر بار که به مشهد می آیند، سری هم به مسجد می زنند تا دوباره در این فضا، چای بنوشند.

سندی در دست نیست

این طور که خادم مسجد به ما می گوید، کتیبه سردر مسجد اهمیت زیادی دارد. به غیر از آن، یک علم (اهدائنده مرحوم محمد رضا نیرومند سعادی)، چند کتیبه پارچه ای و یک قرآن چاپ سنگی که قید شده سیغه وقف بر آن خوانده شده است و تعدادی گلاب پاش قدیمی هم در مسجد وجود دارد. باین حال، پیگیری های شهرآرام محله از مرکز رسیدگی به امور مساجد استان و اداره اوقاف نشان می دهد از این مسجد قدیمی، سندی در دست نیست.